■ سال بیست و هشتم ■ شماره ۸۰۲۹ ■ سه شنبه ■ ۲۶ مهر ۱۴۰۱

ایران

صاحب امتیاز:
خبرگزاری جمهوری اسلامی
مدیر مسئول: محمدحسن روزی‌طلب
جانشین مدیر مسئول و سردبیر: کمیل نقی‌پور

تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰ نمابر: ۸۸۷۶۱۲۵۴ ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵
پیامک: ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ روابط عمومی / نشانی: تهران خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸
صندوق پستی: ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵ / امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰
چاپ: چاپخانه‌های همشهری، شرکت چاپ جام‌جم
سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
تهران خیابان خرمشهر شماره ۱۶ / پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ (۰۲۱)
انتشارات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران: ۵-۸۸۵۴۸۸۹۲
http://irannewspaper.ir

اذان ظهر ۱۱/۴۹ | اذان مغرب ۱۷/۴۳ | نیمه شب شرعی ۲۳/۰۸ | اذان صبح فردا ۴/۵۱ | طلوع آفتاب فردا ۶/۱۴

سخن روز

پیامبراکرم(ص):
هر کس فقیر را در مال خود شریک کند و با مردم به انصاف رفتار کند، او مؤمن حقیقی است.
الکافی: ج ۲ ص ۱۴۷

موضوع خانواده برایم مهم بود

رضا ابوفاضلی: در سریال «آتش سرد» بیش از هر چیز موضوع خانواده برایم مهم بود. در واقع موضوع اصلی، مسأله دست‌درازی به مال یتیم بود که در دین ما جزو گناهان کبیره است. در لایه‌های زیرین این سریال، مسأله جوانان، کار و عشق را قرار دادیم که سریال جذابیت خود را داشته باشد و در این راه از نظر کارشناسان و مشاورهای مربوطه استفاده کردیم که امیدوارم نتیجه کار مطلوب بوده باشد. این مسأله را هم بگویم که تولید این کار در شرایط کرونا انجام شد و تیمی ۵۰ نفره دور هم جمع می‌شدیم که شرایط کار بسیار سخت بود چراکه اگر کسی بیمار می‌شد بقیه نیز مبتلا می‌شدند؛ ولی جدا از این مسائل، اعضای گروه انرژی مثبتی داشتند و اگر این همدلی نبود، این کار باید بارها متوقف می‌شد؛ با این حال خوشبختانه انرژی خوب آنها باعث شد کار مسیر خود را طی کند و در همان زمان مقرر به اتمام برسد. واکنش‌ها به این سریال هم مثبت بوده و من نیز از نتیجه راضی هستم. واقعاً سعی کردم کار را بر اساس مدیوم تلویزیون بسازم و به قاب‌بندی و دکوپاژ از این نظر نگاه کنم. تلاش کردم از پلان و سکانسی به راحتی نگذرم و با دل و جان آنها را به اتمام برسانم.

بخشی از صحبت‌های کارگردان «آتش سرد» در گفت‌وگو با مهر

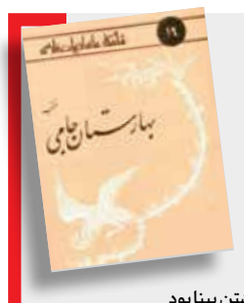

حال نادان را به از دانا
نمی‌داند کسی
گرچه در دانش فزون
از بوعلی سینا بود
طعن نابینا مزن ای
دم زبینایی زده
زانکه نابینا به کار خویشتن بینا بود

بهارستان
عبدالرحمن جامی

نـــگاره
احمدرضا سهرابی

نام جاوید وطن

فضای مجازی

برگزاری ورکشاپی دو روزه برای آموزش نستعلیق برجسته، از سرگیری فیلمبرداری کار تازه کیانوش عیاری در شهرهای شمالی و همچنین گزارشی درباره برخی ساخته‌های مشهور سینمای وحشت جهان و سرمنشأ تألیف فیلمنامه آنها از جمله مطالب منتشر شده در فضای مجازی و رسانه‌های رسمی کشورمان است.

■ **خبرروز**

تهرانی‌های علاقه‌مند به هنرهای تجسمی می‌توانند در ورکشاپ دو روزه نستعلیق برجسته، به سرپرستی زهرا زمانی که در فرهنگسرای سرو برگزار می‌شود شرکت کنند. البته زمان این دوره آموزشی محدود به امروز و فردا (روزهای ۲۶ و ۲۷ مهر) است که از ساعت ۱۰ تا ۱۴ برگزار می‌شود. نکته‌ای که در فراخوان این دوره عنوان شده این است که ورکشاپ نستعلیق برجسته نیازی به پیش‌زمینه خطاطی و نقاشی ندارد و افراد مبتدی هم با این تکنیک می‌توانند تابلوخلق کنند. موارد آموزشی شامل چیدمان حروف و اشکال مختلف چیدمان، آموزش فیکس کردن حروف روی سطح کار، آموزش ایجاد بافت (بافت چرم، بافت سیمانی، بافت با ماسه دریا، بافت شانه‌ای)، آموزش تکنیک‌های رنگ‌آمیزی (آبرنگی، شاپان، پتینه، ورق طلا، تاج و غلتک)، آموزش استفاده از لاک اکریلیک برای ثبات کار و رفع اشکال است. در ضمن بعد از اتمام دوره علاقه‌مندان می‌توانند ویدیوهای آموزش مجازی را دریافت کنند. این تکنیک قابل اجرا روی چوب، بوم، دیوار و هر سطحی است و علاقه‌مندان می‌توانند با میکس مدیا، دیجیتال آرت و تابلوهای دکوراتیو ترکیب و آثار زیبایی را تولید کنند.

■ **چهره روز**

فیلمبرداری «ویلای ساحلی» به کارگردانی **کیانوش عیاری** با رفع کسالت این فیلمساز شناخته شده کشورمان ادامه پیدا می‌کند. عیاری از حدود ۲۰ روز قبل ساخت جدیدترین فیلمش را با نام «ویلای ساحلی» در یکی از شهرهای شمالی کشور کلید زد ولی چند روز قبل به‌دلیل مشکلات جسمی ناشی از دیابت در یکی از بیمارستان‌های تهران بستری شد تا وضعیت عمومی‌اش بررسی شود.
شبنم عرفی‌نژاد، مدیر برنامه‌ریزی فیلم «ویلای ساحلی» در این رابطه به ایسنا گفته: «در حال حاضر گروه در تدارک شروع کار و برگشت به شمال است تا ادامه فیلمبرداری را از سر بگیریم.» عیاری پس از حدود ۶ سال از آخرین فیلمش، تصمیم به ساخت فیلمی تازه گرفته است. پیش‌تر نام فیلم او «رکر» بود و الان هم نام موقت «ویلای ساحلی» را دارد. در این فیلم که گویا یک کمدی است، رضا عطاران، پژمان جمشیدی و ریما رامین‌فر از جمله بازیگران هستند.

■ **تازه‌های نشر**

در میان کتاب‌های تازه‌ای که روانه کتابفروشی‌ها شده‌اند، «زندگی روزمره ژاپنی‌ها در دوره سامورایی‌ها» کتابی است که نشر نگاه منتشر کرده و به نظر می‌رسد برای آنهایی که خواستار آشنایی با فرهنگ ساکنان دیگر ملت‌ها هستند جالب توجه باشد. این کتاب نوشته «لویی فردریک» است که با ترجمه سعید درودی منتشر شده. مخاطبان در این نوشته با وجوه مختلفی از طرز فکر ژاپنی‌ها، چه در زمینه سیاست و چه در زندگی روزمره آشنا می‌شوند، شیوه فکری که نویسنده غربی‌اش تأکید کرده: «شاید با شیوه فکری ما غربی‌ها تفاوت داشته باشد. در حقیقت، از بعضی جهات نیز واقعاً متفاوت است. شاید روش فکری ژاپنی‌ها را نتوان دکارتی خواند، ولی هرچه هست بسیار کارایی دارد. این نکته را هم نباید از یاد برد که معیارهای ژاپنی‌ها در سده‌های میانه، روی‌هم‌رفته، شبیه ضوابط امروزی‌شان نبوده و حتی می‌توان گفت در همان دوره قرون وسطی معیارهای ژاپنی با معیارهای معاصران اروپایی‌شان تفاوت داشته است.»

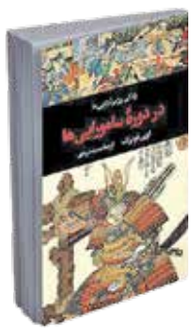

کهکشان راه شیری دوم

یادداشت

اتابک نادری
بازیگر و کارگردان تئاتر

ما یک شبه صاحب تئاتر نشده و سال‌ها برای آن زحمت کشیده‌ایم. طبیعی است که امروز و بعد از گذار از دوران پر بحران بیماری و... مدتی طول بکشد که مردم مجدد اعتماد کنند و به سالن‌های تئاتر بیایند، البته خدا را شکر که این اتفاق در مسیر درستی در حال رخ دادن است اما کافی و ایده‌آل نیست. جامعه همچنان نیاز دارد تا فرصتی داشته باشد تا از لحاظ روحی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی به شرایط ثابتی برسد اما اتفاقی که در این راه باید بیفتد این است که ما به یک مسیر ارگانیسمی می‌رسیم؛ چیزی که قبل از این نداشته‌ایم، یعنی سازمانی نهادینه می‌شود که بتوان در آن تئاتر و بازیگر تئاتر را تعریف کرد. مثلاً تئاترهای حرفه‌ای در اروپا، فرضاً آلمان، می‌گویند ما سه تماشاخانه داریم که هر کدام کنسرواتوارهای خود را دارند و افراد در آن استخدام شدند و اگر دولت بگوید هنرمند تئاتر، این افراد خودشان را معرفی کرده و مدارک‌شان را ارائه می‌دهند. آنها هنرمندانی هستند که در طول سال با این تئاتر کار می‌کنند، بیمه و مالیات‌شان را پرداخت می‌کنند و بیمه هم آنها را حمایت می‌کند. نمی‌گویم در ایران این سازمان‌بندی و تعریف دقیق هنرمند را نداریم اما به‌نظرم ناقص است. می‌گویم باید برای افراد هنرمند دیگر هم سازمان داشته باشیم. مثلاً افرادی که در حوزه هنرهای نمایشی مثل شعبده بازی کار می‌کنند کجای این دایره هستند؟ باید سازمانی تشکیل شود که اینها را نیز دربر بگیرد. حالا که شرایط تقریباً عادی شده است و داریم به روال قبل برمی‌گردیم باید ببینیم تئاتر در چه جایگاهی قرار می‌گیرد؟ خصوصی، دولتی و... مثلاً وقتی سال ۸۵ در تئاتر «سنگلج» گفتم می‌توانید جایگاه خود را تعیین کنید و متصدی گیشه من جایگاه دلخواه را به مردم می‌داد، برای همه عجیب بود و حالا می‌بینیم که به‌صورت آنلاین ردیف و صندلی را حتی با گوشی خود می‌توان انتخاب کرد. به هرحال فکر می‌کنم در کنار اجراهای زنده می‌توانستیم فروش آنلاین هم داشته باشیم و اتفاقاً درآمدمان را افزایش دهیم. یک نهادی باید تئاتر را مدیریت کند چون پول به مقدار کافی در همه نهادها وجود دارد. به‌گمان من حالا راه شیری دومی در پیش خواهیم داشت

و تئاتر با زبان جدیدی را تجربه می‌کنیم. خود من به ساخت آثاری مرتبط با این دوره‌ای که کمابیش پشت‌سر گذاشتیم فکر نکرده‌ام اما باید ایده خوبی باشد برای دوستان تئاتر که سناریوهای جالب و خوبی از این موضوع در بیاورند. ۸ سال جنگ داشتیم و ۴۰ سال حرف برای گفتن. ۴۰ سال از جنگ، داستان‌ها، فیلم‌ها، کتاب‌ها و تئاترهای زیادی داشته‌ایم. زمان حال را دریابید، مرگ نزدیک و در چند قدمی ماست و فکر می‌کنم حالا ما تبدیل به آدم‌های دیگری شده‌ایم و چه بسا همین حالا هم عوض شده‌ایم. بغض ما، افسردگی و حالات روحی به سختی از ما جدا می‌شوند و این طبیعی است. این مدت فرصت ابراز همدردی نداشته‌ایم، تخلیه روحی نشده‌ایم، سوگواری نکرده‌ایم، سر روی شانه‌های هم نگذاشته‌ایم. کاش بیشتر همدیگر را دوست داشته و آگاه باشیم که زندگی می‌تواند چقدر زودگذر و غم‌انگیز باشد. به قول پدرم وقتی چیزی را از دست می‌دهی می‌فهمی چه چیزهایی داشته‌ای و قدرشان را ندانسته‌ای. هرچقدر هم که حافظه تاریخی ما کوتاه باشد ولی حدود چند سالی طول می‌کشد تا زخم‌های روحی و روانی ما ترمیم شود و هنر یکی از مهم‌ترین راه‌های این تخلیه و این تسکین است. همیشه همین‌طور بوده و هیچ هنری، از تئاتر و سینما بگیریم تا موسیقی و... چنین جایگاهی نداشته و ندارد و فقط هنر است که می‌تواند چنین نقشی ایفا کند.

آموزش غیرمستقیم مهارت‌ها

یادداشت

سلیم رسولی‌منزه
پژوهشگر حوزه کودک

می‌خواهم از کودکان بنویسم و خوراک‌های فرهنگی که ما برایشان در نظر می‌گیریم. برای ورود به این بحث از تجربه‌های شخصی خود استفاده می‌کنم. به‌عنوان یک مربی و پژوهشگر کودک، همواره کتاب‌های انتخابی‌ام برای خرید، کتاب‌هایی هستند که بیشتر به آموزش غیرمستقیم مهارت‌های زندگی به کودکان می‌پردازند یا چالش‌های روز هر رده سنی را مطرح کرده و در عبور از این چالش به کودک کمک می‌کنند اما در بعضی کتاب‌ها می‌بینم که محتوا با سن کودک همخوانی ندارد یا راهکارها و نوشته‌های کتاب کارشناسانه نیست. به‌طور مثال کتابی درباره احساس خشم در کودکان را مطالعه می‌کردم. در این کتاب، شخصیت قصه پس از بروز خشم، در چاله‌ای ترسناک، تنها گیر می‌افتاد و از کارش پشیمان می‌شد. آن وقت بود که پس از پشیمانی از چاله بیرون می‌آمد. تفکیک نکردن احساس خشم و پرخاشگری و القای حس بد بودن خشم به کودک و سرکوب خشم او از ضعف‌های آشکار این کتاب بود. مثال دیگر اینکه چندی پیش بنا به حرفه‌ام برای کودکان داستانی می‌خواندم که متوجه شدم شخصیت داستان وقتی حوصله‌اش سر می‌رود، از خانه خارج و مشغول کارهای مختلفی می‌شود و پس از ساعتی بازمی‌گردد. این کتاب هم برای رده سنی الف ممکن است مشکلاتی ایجاد کند. بارها اتفاق افتاده که در میانه داستان، به ناچار قصه را به همین دلایل تغییر داده‌ام. اما چاره چیست؟ به عقیده من، کتاب‌هایی که در حوزه ادبیات کودک تهیه می‌شوند می‌توان به سه دسته شعر، داستان و ترجمه تقسیم کرد. در انتخاب کتاب‌های داستان، بهتر آن است که کتاب‌های آموزش غیرمستقیم مهارت‌ها را انتخاب کنیم. کتاب‌هایی با نگاه خلاقانه و مصور که کودک قادر باشد، داستان را از روی تصاویر دنبال کند. بهتر است از خرید کتاب‌هایی که زیاده‌گویی دارند و خارج از حوصله کودک هستند خودداری کنیم. در بحث خرید کتاب شعر، نگاه دقیق‌تری به کتاب می‌اندازم. ریتمیک بودن، استفاده از واژگانی با مفاهیم عینی و قابل فهم و از همه مهم‌تر درست بودن وزن و قافیه در تقویت حس شنوایی کودک مؤثر است. درباره کتاب‌های شعر، باید بگویم متأسفانه کمتر کتابی را می‌توان پیدا کرد که همه این مشخصات را داشته باشد، در عین اینکه تصاویر و محتوای جذابی هم برای کودکان داشته باشند. پیش آمده، گاهی کتابی را فقط به‌دلیل زیبا نبودن تصویر جلد و عکس‌هایش انتخاب نکرده باشم. چرا که معتقدم یکی از معیارهای کتاب خوب، جذابیت طرح جلد و تصاویر آن است. هرچند سادگی و روانی زبان کتاب نیز بسیار اهمیت دارد. طبق نظر داوران جشنواره کتاب کودک کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، سهم نسبتاً زیادی از کتاب‌های کودک را در بازار کتاب‌های ترجمه پر کرده‌اند. در حالی که بسیاری از این کتاب‌ها سادگی و روانی لازم برای مخاطبان خود را که کودکان و نوجوانان هستند، ندارند. معمولاً دانش‌آموزان نیز علاقه زیادی به خواندن کتاب‌های ترجمه، چند جلدی و ماجراجویانه نشان می‌دهند، در حالی که تمایلی به شنیدن داستان‌های شاهنامه ندارند. کتاب‌های ترجمه‌ای نیز عمدتاً محتوای ارزشمند یا خلاقانه‌ای ندارند و با ارزش‌های فرهنگی جامعه سازگار نیستند.

مکالمه بی‌سیم‌چی حنظله با همت

پیشنهاد

صادق وفایی
خبرنگار

کتاب «زمین‌های مسلح» شامل کارنامه عملیاتی لشکر ۲۷ محمدرسول‌الله(ص) در عملیات‌های والفجر مقدماتی و والفجر۱ با پژوهش و نگارش گلعلی بابایی توسط نشر ۲۷ منتشر و راهی بازار نشر شد. تدوین کارنامه عملیاتی لشکر ۲۷ در حوزه یگان‌نویسی، پاییز سال ۷۵ بر اساس طرحی از حسین بهزاد و گلعلی بابایی آغاز شد و اولین کتاب آن با عنوان «همپای صاعقه» منتشر شد که درباره تشکیل تیپ ۲۷ و حضورش در عملیات‌های فتح‌المبین و بیت‌المقدس و پس از آن حضور تیپ ۲۷ در سوریه و لبنان بود. «همپای صاعقه» در واقع کارنامه عملیاتی لشکر ۲۷ از بدو تشکیل تا پایان فرماندهی احمد متوسلیان بر آن است. کتاب‌های «ضربت متقابل» درباره حضور لشکر ۲۷ در عملیات رمضان، «کوهستان آتش» درباره حضور در عملیات‌های والفجر ۳، ۴ و ۵ و «شراره‌های خورشید» درباره حضور در عملیات خیبر منتشر شدند. این میان از نظر تاریخی، فاصله بین کتاب‌های «ضربت متقابل» و «کوهستان آتش» یعنی عملیات‌های رمضان و والفجر ۴ که مربوط به حضور لشکر ۲۷ در عملیات‌های والفجر مقدماتی و والفجر یک می‌شد خالی مانده بود. البته طرح پرداخت به این دو عملیات پیش‌تر با عنوان کتاب «زمین‌های مسلح» آغاز شده بود که به دلایلی از جمله گردآوری اسناد و مدارک، انتشار آن تا امروز میسر نشد و نوبت چاپش پس از چهار کتاب مورد اشاره ممکن شد. به این‌ترتیب، «زمین‌های مسلح» جلد چهارم از کارنامه عملیاتی لشکر ۲۷ است اما از نظر ترتیب چاپ، پنجمین کتابی است که در قالب مجموعه ۱۰ جلدی حماسه ۲۷ چاپ می‌شود. این کتاب از نظر بازه زمانی از ابتدای پاییز ۶۱ و خاتمه عملیات کوهستانی مسلم‌بن‌عقیل(ع) شروع می‌شود و تا پایان خونین نبرد والفجر ۱ در روزهای پایانی فروردین ۶۲ ادامه پیدا می‌کند. «زمین‌های مسلح» ۱۰ فصل دارد که به این‌ترتیب‌اند: «تاوان تعقیب متجاوز»، «لشکر ۲۷ تحت امر سپاه ۱۱ قدر»، «از پادگان دوکوهه تا دهکده حضرت رسول(ع)»، «مأموریت ناممکن؛ مصاف با زمین و زمان»، «عملیات والفجر؛ تمرکز بر عمق - غفلت از خط»، «عملیات والفجر؛ مرحله دوم»، «شکست یا عدم الفتح؟! جمع‌بندی درس‌های نبرد والفجر»، «آتش به جای خون؛ پیامد ناکامی»، «عملیات والفجر ۱؛ گذر از ۱۶ خوان خطر» و «هدف؛ ۴ تپه قراضه نبود.» برخی از بخش‌های مختلفی هم که در این ۱۰ فصل درج شده‌اند، چنین عناوینی دارند: آرایش مثلثی تیربارچی‌های سودانی، مکالمه بی‌سیم‌چی حنظله با همت، پشت و خنجر، اشک‌های محمود ثابت‌نیا، ترجیح حفظ نیرو بر استمرار تک، فکاهیات سرگشاده صدام، با بچه‌های کمیل در برزخ کانال‌ها، دشمن سخت است، خشم ممقانی، آتش سینه من سوزان‌تر است، پنجه در پنجه دشمن، در هزارتوی کانال‌ها و مین‌زارها، پدرسوخته‌ها بدجوری مقاومت می‌کنند و... این کتاب با ۹۱۲ صفحه مصور، شمارگان هزار نسخه و قیمت ۲۷۰ هزار تومان منتشر شده است.

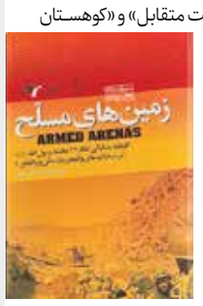

ذهن نقاد در برابر قدرت عادت!

یک فنجان چای

آزاده سهرابی
روانشناس

بسیاری از مردم در حالی قدم در راه روان‌درمانی می‌گذارند که نسبت به پروسه آن آگاهی چندانی ندارند. هر چند این نادانستگی طبیعی است اما ممکن است خود آن سدی در برابر درمان باشد. فرض کنید کسی در حالی به درمانگر مراجعه می‌کند که خواسته مشخصی دارد: احساس می‌کنم اعتماد به نفس کمی دارم و می‌خواهم آن را درست کنم! این تیتر کلی که شاید خیلی‌ها را به اتاق روان‌درمانی می‌کشاند از روی نادانستگی از پروسه روان‌درمانی است که در اکثر اتاق‌های روانشناسی رخ می‌دهد. در هیچ اتاق روانشناسی راهکار ارتقای اعتماد به نفس آموزش داده نمی‌شود؛ هرچند در انتهای فرایند روان‌درمانی می‌تواند اعتماد به نفس، حرمت نفس و... ارتقا یا ترمیم پیدا کند. در واقع اگر چنین رخدادی مثل ارتقای اعتماد به نفس یا کاهش تنبلی یا داشتن هدف و... در انتهای پروسه روان‌درمانی کسب شود نتیجه فرایند روان‌درمانی است نه هدف آن. در عموم روش‌های روان‌درمانی آنچه هدف است بازسازی ساختار ناکارآمد روان در آن لحظه‌ای است که فرد را به اتاق درمان کشانده است. عموماً هم این بازسازی از طریق «آگاهی» به دست می‌آید. حالا چه این آگاهی از طریق بازسازی شناختی باشد یا از طریق هوشیار کردن ناهوشیار یا از طریق محکم کردن ایگو- خود- یا از طریق بهبود رابطه فرد با خودش و... نتیجه چنین «آگاهی» می‌تواند در مسیرهای مختلفی خود را نشان دهد از جمله بهبود اعتماد به نفس. پس ابتدا ضروری است شما پیش از مراجعه به روانشناس تا حدی از این پروسه آگاهی داشته باشید و اما مهم‌تر شاید این است که اساساً چطور آگاهی به دست می‌آید. همان‌طور که ذکر شد این حاصل، از مسیرهای متعددی به دست می‌آید اما شاید یکی از پایه‌های آن چیزی باشد که اریک فروم روانکاو برجسته امریکایی به آن معتقد است: «باید بیاموزیم ذهن نقادی داشته باشیم چون تنها اسلحه کارآمد برای دفاع از خود در برابر خطرات زندگی است. اگر انسان ذهن نقاد نداشته باشد، تحت تأثیر تمام عقاید، پیشنهادها، اشتباه‌ها و دروغ‌هایی که در تمام دنیا پراکنده است، قرار می‌گیرد» این سخن فروم از روز اول کار حرفه‌ای‌اش موضع‌گیری قاطعانه او بوده است. شاید این سخن در تمام فرایند زندگی به کار بیاید. آنچه او درباره نقادی می‌گوید در واقع داشتن ذهنی شکاک و تردیدگر است. موضوع این است که مسیر آگاهی جز از راه تردید نمی‌گذرد و در عرصه درمان مشکلات روانی نیز جایی تکنیک‌ها مؤثر هستند که فرد دارای ذهنی نقاد- شکاک نسبت به باوری که تا به حال درباره خود، بیماری‌اش، گذشته‌اش، دیگران، شناختش، هیجاناتش و... داشته باشد. شاید داشتن ذهنی نقاد را باید از کودکی در افراد پرورش داد؛ جایی که کودکان واهمه‌ای درباره پرسش‌های بدون مرز ذهن خود نداشته و والدین این اطمینان را در آنها ایجاد کرده باشند که سؤال‌های ذهن آنها محترم است حتی اگر پاسخی مناسب سن او در آن لحظه برایش نداشته باشند.
موضوع اصلی در پروسه روان‌درمانی هم عبور از توهماتی است که فرد گویی آنها را نمی‌خواهد رها کند، نه از روی عمد. این توهمات دنیا را برای او معنادارتر می‌کند اما مجبور است برای این معنادارتر شدن -بگذارید بگوییم رنج‌آور- تردیدهایش را سرکوب کند. این همان جایی است که در پروسه روان‌درمانی مقاومت‌ها پدیدار می‌شود؛ جایی که فرد با پرسشی از سوی خود مواجه می‌شود که این پرسش زاده‌شده از یک تردید نسبت به رویه‌هایی است که تا پیش از این در روان او کار می‌کرده یا باوری که تا پیش از آن دردی عمیق را پنهان می‌کرده است. حالا روان‌درمانی پیش رفته است و فرد کمی عمیق‌تر به خودشناسی ذهن و رفتار خود آگاه شده و درمانگر همانند والدی که اجازه پرسش‌گری می‌دهد این مسیر را هموار کرده و سرکوب‌ها به مرحله رهایی رسیده است، اما قدرت عادت چیزی است که همیشه در برابر تغییر مقاومت می‌کند و بسیار هم قدرتمندتر از میل به تغییر است، چرا که از ابتدا راهی برای رهایی از رنج بوده است. اینجاست که فرد نسبت به همین پروسه نیز باید آگاه شود؛ نسبت به قدرت عادت!

عکس نوشت

گفته می‌شود در ایران برای نخستین بار «مرتضی حنانه» اقدام به ساخت موسیقی فیلم کرده و همین امریکی از دلایلی شد که نام این هنرمند برای همیشه در تاریخ موسیقی ایران ماندگار شود. این عکس کمتر دیده شده را خبرگزاری ایسنا از حنانه منتشر کرده است.

آگهی فراخوان
سازمان فنی و نگهداری حرم مطهر رضوی(ع)

در نظر دارد نسبت به‌شناسایی و ارزیابی متخصصان و مشاوران حقیقی یا حقوقی واجد شرایط در زمینه «بررسی فرآیند خدمات مدیریت، بهبود و تحول سازمانی» جهت مجموعه سازمان اقدام نماید، لذا از کلیه مشاورین واجد صلاحیت در این زمینه دعوت به‌عمل می‌آید تا با ارسال رزومه و توانمندی‌ها اعم از پیشینه فعالیت، مجوزها و گواهی‌نامه‌های مأخوذه از سازمان‌های ذیصلاح و سوابق کاری مرتبط با موضوع فراخوان را حداکثر تا روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۱/۰۸/۰۲ به نشانی: مشهد، خیابان شهید اندرزگو، ورودی باب‌الجواد (علیه‌السلام)، واحد دبیرخانه (تلفن ۳۲۲۵۷۰۸۵-۰۵۱ و ۳۱۳۰۵۲۴۳-۰۵۱) تحویل نمایند.

عمده خدمات مورد نیاز کارفرما:
۱- تحلیل وضع موجود و ارائه راهکار مطلوب
۲- بررسی ساختار منابع انسانی متناسب با وضعیت مطلوب
۳- اصلاح فرآیندها بر اساس ساختار
۴- بازنگری و تدوین آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌ها مرتبط با مجموعه
۵- اعلام نتایج مشاوره جهت تهیه و تولید برنامه‌های فناورانه به روز متناسب با ساختار

شایسته یادآوریست شرکت‌کنندگان در این فراخوان می‌توانند جهت دریافت اطلاعات بیشتر با مسؤول بخش رایانه سازمان خانم مهندس کارخانه‌چین به‌شماره ۳۱۳۰۵۲۱۰ تماس حاصل فرمایند.
لطفاً بر روی پاکت درج شود «جهت بررسی فرآیند خدمات مدیریت، بهبود و تحول سازمانی»

سازمان فنی و نگهداری حرم مطهر رضوی(ع)